

پوشاک سنتی زنان قوم کرد ایلام

معصومه محمدی سیف^۱

مریم یارمحمد توسکی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، توصیف پوشاک سنتی زنان کرد ایلام در ایران و نمایش جلوه‌های ویژه‌ای از زیبایی‌های آن به منظور آشنایی با کارکردهای پوشاک سنتی است. روش پژوهش حاضر، توصیفی و تشریحی بوده و از روش‌های اسنادی و میدانی (مشاهده مشارکتی) بهره گرفته شده است. اطلاعات حاصله بر اساس مبانی نظری (نظریه چهارگانه ولف گانگ بروخنر، نظریه قومی و نظریه اشاعه‌گرایی فرهنگی...) مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار، در یک چارچوب نظری، از اندیشه‌های بزرگان کارکردگرایی به‌ویژه بانی روش تحقیق میدانی؛ یعنی کلیفورد گیرتز بهره برده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با آنکه امروزه پوشش زنان قوم کرد بر اثر گذشت زمان دچار تغییر و تحول شده و پوشش‌های امروزی جایگزین پوشش‌های سنتی آنها شده، هنوز هم پوشاک سنتی زنان ایلامی علاقه‌مندان خاص خود را دارد.

کلیدواژه‌ها: پوشاک زنان، پوشاک کرد، پوشاک ایلام، تن‌پوش زنان ایلام، پای‌پوش زنان ایلام، سرپوش زنان ایلام

۱. پژوهشگر و کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. رایانامه:

Iranian_researcher1@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. رایانامه: ytm1340@yahoo.com

ایران کشوری چندقومی است و وحدت و یکپارچگی آن مرهون همزیستی اقوام گوناگون است. بنابراین، شناخت مشترکات اجتماعی اقوام، به ویژه خصوصیات که سبب تسهیل همزیستی و هم‌گرایی آنان می‌شود؛ همواره اهمیت اساسی داشته، از این‌رو قومیت نیز یک پدیده فرهنگی اجتماعی است و مرزهای آن نیز توسط نمادهای فرهنگی و اجتماعی معین می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۰). در این بین «لباس نیز مانند زبان، هویت قومی، اجتماعی و جغرافیایی و وابستگی‌های صنفی، مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌کند. برای اینکه عملکرد اجتماعی و فرهنگی پوشاک در هویت‌بخشی به اعضای جامعه را دریابیم و نقش پوشاک در ساختن هویت اجتماعی و فرهنگی فرد و جمع در اجتماعات گوناگون ایلی - عشیره‌ای، روستایی - دهقانی و شهری را دریابیم، لازم است تن‌پوش‌های مردم را همچون مجموعه‌ای از علائم زبانی مادی، بررسی و تحلیل کنیم.» (یارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۰).

حدود فرهنگ‌ها و پوشش‌های متفاوت در مناطق مختلف کردنشین موجب شده تا پوشش محلی زنان این دیار در عین وقار و زیبایی نشان از اعتقادات و فرهنگ کهن این مرز و بوم داشته باشند. با نگاهی به نوع پوشاک زنان این سرزمین هم‌چنان درمی‌یابیم در بین این اقوام، ماندگاری و دیرینگی لباس‌های سنتی به‌عنوان ارزش و نمادی از فرهنگ سنتی آنان تا امروز زیبایی و تألؤ خود را حفظ کرده و در هجوم مبادلات فرهنگی، تحول و دگرگونی خاصی نپذیرفته است. «لباس زنان و مردان کرد بسیار متنوع و زیباست. مردم سنندج، مریوان، کلهر، سنجاب و سقز، مهاباد و بانه هر کدام لباس مخصوص به خود دارند، به طوری که برای کسانی که مختصر آشنایی با این اقوام دارند تشخیص آنان از یکدیگر بسیار آسان است» (بهنام، ۱۳۳۹: ۵).

ادبیات نظری پژوهش

نظریه چهارگانه ولف گانگ بروخنر^۱ درباره پوشاک

اگر چه مطالعات بر روی پوشاک ایران زمین، هنوز به بحث در مورد اسلوب نپرداخته، اما می توان رهنمودهای مفیدی از تحقیقات صورت گرفته در پوشاک غربی به دست آورد که این مطالعات بر روی پوشاک ایرانیان نیز قابل ملاحظه است.

«چهار مجموعه روش و نظریه را بر اساس اصول مبتنی بر جلوه تاریخی شان، شناسایی کرده است. نظریه اول به نام «نظریه ی قومی»^۲ نامیده می شود که طی آن، انواع خاص لباس، به عنوان شناسه گروه های قومی، محلی و زبانی خاص، منظور می گردند (Saunders, 1990: 12) به نقل از یارشاطر، ۱۳۸۲: ۳۶). در این زمینه، به «روح قومی»^۳ نیز اشاره می شود، هر قومی، روح خاص خود را دارد که کاملاً متمایز از اقوام دیگر است، به علاوه اینکه در هر مرحله از مراحل تاریخی اش نیز تظاهرات یا هستی متفاوتی را به خود گرفته و ظاهر می کند. تمامی دست آوردهای یک قوم که در کل سنت ها یا دست آوردهای فرهنگی آن را می سازد، محصول این روح قومی بوده و نشان خاصه آن را با خود دارد، کما اینکه این نشانه مذکور را بر افراد یا اعضای خود نیز حک می کند» (کچویان و جوادی یگانه، ۱۳۸۴). از این منظر زندگی طبیعی و سعادت یک فرد در پیوستن به این روح قومی قرار دارد. روح قومی، همان هویت اجتماعی هر فرد است که از طریق انعکاس یا تظاهر آن در فرد، جامعه را به وحدت و تمامیت خود می رساند. از آنجایی که روح قومی، نماد و معرف کل جامعه بوده و کل تاریخ و تمامی دستاوردهای فرهنگی - اجتماعی یک قوم حاصل آن است، موضوع تعلق خاطر، دلبستگی و افتخار افراد آن قوم نیز خواهد بود.

طبق نظریه دوم بروخنر به نام «نظریه انتشاری»^۴، تن پوش های فعلی را باید بازمانده برخی انواع بنیادین اولیه، در نظر گرفت؛ مثلاً پوشش ساده ای با یک سوراخ برای سر،

1. Wolfgang Bruckner
2. Ethnic Theory
3. Spirit of ethnic
4. Diffusion theory

۱۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ممکن است به عنوان صورت اولیه انواع گوناگون لباس چوپانی شناخته شده، در سراسر جهان، قلمداد گردد. نظریه سومی، «نظریه تاریخ توسعه»^۱ نام دارد که مشتمل است بر تکامل درونی و همچنین تلفیق تأثیرات فرهنگی بیرونی. سرانجام «نظریه تاریخ‌زدایی»^۲ که نظریات مربوط به عملکرد اجتماعی است» (saunders, 1990:17) به نقل از یارشاطر، ۱۳۸۲: ۳۶-۳۷). این نظریه، شامل رویکردی است نمادین نسبت به لباس به عنوان زبانی از علائم که قابل رمزگشایی و بازخوانی باشد. (Bruckner, 1985:17) از این روست که «برخی از دانشمندان چنان نقش مهمی برای پوشاک و زیورآلات اقوام مختلف قائل‌اند که حتی تعریف مجرد از انسان را بدون در نظر گرفتن لباس او، تعریفی صرفاً ذهنی می‌دانند» (Eicher, Roach-Higgins, 1992:13). از این رو، هر پوشاکی، معنا و مفهومی دارد که به دیگری منتقل می‌کند و با نگاه به پوشاک سنتی هر قوم، می‌توان به هویت فرد و اینکه برخاسته از کدام قوم است پی برد. به همین دلیل ارتباط بین پوشاک و اجتماع و هویت اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت. «هم‌چنین کلارک ویسلر، در نظریه اشاعه‌گرایی فرهنگی خود بیش از هر چیز به محیط‌شناسی اهمیت می‌داد. به باور وی نقطه کانون اشاعه پدیده‌های فرهنگی را در دوایر متحدالمرکز به همه جهات اطراف خود منتشر می‌کند و بنابراین فاصله پدیده‌های پیرامونی تا مرکز می‌تواند گویای عمر آنها باشد و از این گذشته هر اندازه از پیرامون به سوی مرکز پیش رویم، پدیده‌های فرهنگی را با شناخت و اصالت بیشتری می‌بینیم» (whiting and childs 1953:497 به نقل از خسروانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱).

سربوش زنان کرد ایلامی

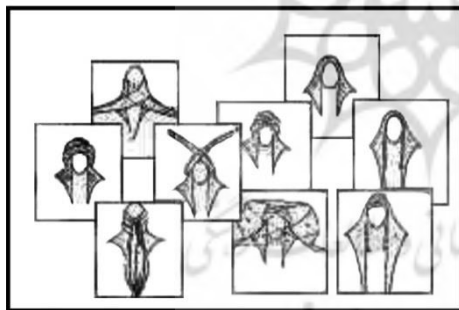
پوشاک زنان کرد ایلام در سه بخش سربوش، تن‌پوش و پاپوش توصیف گردیده که در اینجا به ذکر اجزای مختلف آن پرداخته می‌شود:

1. Date of Development
2. Ahistorical theory
2. Abraded history

۱. سربند، دستار و شال

«سرپوش یا جامه سر، جزء جداناپذیر جامه‌های ایرانی است. این سرجامه‌ها (روسری‌ها، سربندها، کلاه‌ها و گاهی عمامه، چارقدها و چادرها) با تنوع بسیار طراحی شده و در قطعات متعدد، در کنار هم یا روی یکدیگر، استفاده می‌شود» (یاسینی، ۱۳۹۵: ۷۴). «سرپوش زنان در گذشته عبارت بود از کلاه و سربند که در اصطلاح محلی به آن کِلَاو^۱ و سِرَوَن گفته می‌شد. کلاه‌ها معمولاً توسط خود زنان دوخته و ساخته می‌شد» (رهو، ۱۳۸۱: ۷۰). جنس این کلاه زنانه، معمولاً از پارچه نخی سفیدرنگ و گاه به رنگ‌های دیگر است که مقدار کمی از سر را می‌پوشاند و هیچ‌گاه به‌تنهایی به کار نمی‌رود و سایر سرپوش‌ها روی آن بسته می‌شوند. هر گاه که عرقچن یا کِلَاو منجوق‌دوزی شده باشد سرپوش‌هایی که بر روی آن بسته می‌شود به حداقل ممکن می‌رسد تا زیبایی آن بیرون بماند» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۸).

زنان مسن شهری و روستایی به جای چادر از نوعی چادر عربی موسوم به قطره استفاده می‌کنند. سربند این زنان از پارچه پهن و عریض و طویلی از جنس سیلک یا ابریشم یا کساری و مخمل است. هنگام استفاده از سربند در محیط‌های روستایی و شهری توسط مادران، قسمتی از موی سر را در قسمت شقیقه‌ها بر روی گونه‌ها آویزان می‌کنند که به آن قَاو می‌گویند و بیشتر در محیط‌های خانوادگی و زنانه صورت می‌گیرد.



تصویر ۱: نحوه بستن سربند

سربند زنان کلهر به ویژه ایوان و شیروان و چرداول، بسیار زیبا و متفاوت است و جلوه خاصی دارد. سربند بانوان کرد معمولاً از چندین پارچه ابریشمی کُلاغی با زمینه سیاه و گل‌های زرد و سفید تشکیل می‌شود و طرز بستن آن بر سر، در نزد زنان بستگی به سلیقه و طرز آرایش آنان دارد، ولی معمولاً

1. Kelâw

۱۱۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

آن را این گونه مرتب می‌کنند که کلاغی چهارگوشه مشکی را سه گوشه می‌سازند و وسط آن را به پیشانی می‌نهند و دو گوشه آن را به پشت می‌برند و پس از رد کردن آن گوشه‌ها از هم، دوباره به سوی پیشانی برمی‌گردانند و زیادی گوشه‌ها را در لای کلاغی فروکرده، وامی‌دارند و گاهی بر روی این سربند چندین کلاغی دیگر می‌پیچند تا با ابهت‌تر باشد و از آن زیورهایی نیز می‌آویزند.

۲. پیسه

نوعی سرپوش ویژه زنان ایلامی که دستمالی ابریشمی است و زنان عشایر آن را به سر می‌بندند. از این نوع دستمال هنوز هم در محیط‌های عشایری استفاده می‌شود.



تصویر ۲: نمونه‌ای از پیسه

۳. گلونی^۱

«گلونی» نوعی سرپوش از جنس حریر، ابریشم یا نخ نازک در اندازه‌های مختلف کوچک و بزرگ است و زمینه مشکی دارد و با گل و بوته و نقش‌های مربع شکل و نقش‌های ساده اسلیمی در رنگ‌های سفید،

قرمز یا سبز و گاهی هم نارنجی، آبی و زرد تزئین شده است» (همان: ۸۹ - ۸۸). این سربند یا روسری چهارگوش و معمولاً از جنس ابریشم حریرمانند، بافته‌شده از نخ و تارهای بسیار زیبا، ریز و نرم ابریشم یا الیاف‌های مشابه آن با نقش‌های سنتی است که به عنوان دستار یا روسری یا زیر سربند به صورت چندین عدد متصل به هم به عنوان سربندهای زنانه مجلسی و بزرگ استفاده می‌شود. به عبارتی، دستمال‌هایی که دارای حاشیه سفید و قرمز هستند گلونی نامیده می‌شوند. البته گلونی مشکی هم وجود دارد که بیشتر در مراسم عزا مورد استفاده قرار می‌گیرد و از گلونی‌های رنگی در مراسم شادی و عروسی استفاده می‌شود. «استفاده از رنگ و نقش در پوشاک امری رایج در میان جامعه‌های

1. Golvany

پوشاک سنتی زنان قوم گُرد ایلام ❖ ۱۱۹

زنان در موقعیت‌ها و اقلیم‌های گوناگون بوده که چگونگی آن، اغلب به متغیرهای سن و وضع وابسته بوده است» (یاسینی، ۱۳۹۵: ۷۵).



تصویر ۴: روز جشن سربند گلونی

تصویر ۳: نحوه بستن گلونی

لازم به ذکر است که این پوشش صرفاً به زنان کرد تعلق نداشته،^۱ در میان زنان گُرد نیز متداول بوده و بخشی از پوشش سنتی زنان و همچنین مردان لرستان را به خود اختصاص می‌دهد و به طور کلی، سربند و دستار از زمان مادها و هخامنشیان در لباس مردان و زنان ایرانی استفاده می‌شد و یکی از مهم‌ترین سوغات این منطقه است. دختران نسل جدید از نوع کوچک آن به عنوان روسری استفاده می‌کنند.

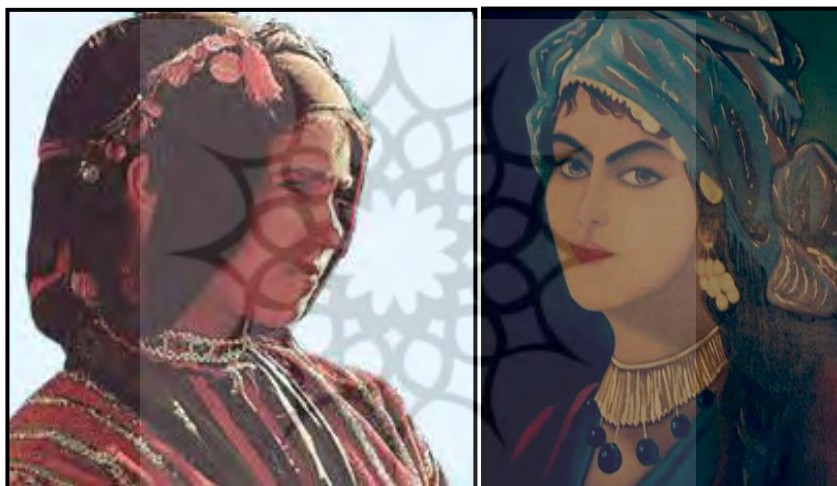
۴. کساری

«کساری، مانند روسری گلونی است و خطوط مختلف با رنگ‌های متعدد و کدر دارد. این نوع روسری به مراتب بزرگ‌تر و سنگین‌تر از گلونی است و در محیط‌های مناطق کلهر، ایوان و شیروان و چرداول بیشتر کاربرد دارد. اطراف کساری ریشه‌ریشه بوده و از این رشته‌ها گاه برای زیبایی سربند به عنوان منگوله‌های نخ‌ی استفاده می‌کنند»

۱. براساس یک ایده، به همت جمعی از دختران خرم‌آبادی، روز ۲۶ اردیبهشت به عنوان روز روسری گُرد نام‌گذاری شده است. هر ساله در ۲۶ اردیبهشت، برنامه ویژه‌ای در خرم‌آباد برگزار می‌شود و دختران گُرد با به سر کردن روسری گُرد، این پوشش اصیل و زیبا را به دیگران معرفی می‌کنند. بسیاری از دختران گُرد اعم از معلمان، استادان، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و فعالان فرهنگی جزو حامیان این حرکت هستند.

۱۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(درخشنده ۱۳۹۰: ۲۹۹). چرداول، ملکشاهی و قسمتی از ایوان، آن را به صورت سه‌گوش بر روی سر انداخته و سرپوش «هَبَر» را روی آن بر دور سر می‌بندند. گاهی به گلونی‌های بزرگ «سَرُون» یا «علی‌خانی» نیز می‌گویند. «علی‌خانی» معمولاً دستمالی است که دارای رنگ‌های متفاوت به‌خصوص حاشیه قرمز رنگ است. سربند کلهری مناطق شیروان و چرداول تماماً از جنس کساری یا کتانی راه‌راه تیره است. پارچه آن هم خیلی زیاد، گاهی به پنج متر می‌رسد. زنان کلهری چرداول بدون استفاده از دایره حصیری بافته شده، از شاخه درخت بادام کوهی نیز سربندی درست کرده و به سر می‌بندند.



تصویر ۵: دو نمونه از سرپوش کساری

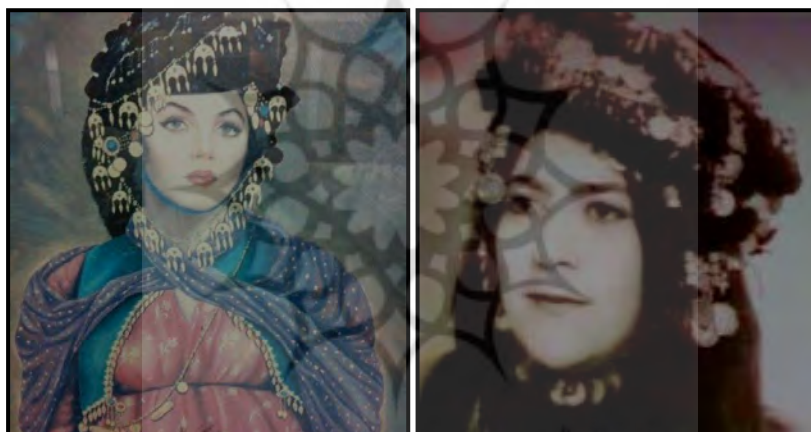
۵. کولاو

کولاو یا کُلاو^۱، نوعی کلاه زنانه رایج در نقاط مختلف استان ایلام است. کلاو، همان عرقچین در زبان فارسی است و کلاهی نسبتاً کوچک و تنگ برای قسمت بالای سر است. «کلاه» از نوارهای سیاه و نازکی که به دور شب‌کلاه بسته شده ترکیب یافته و

۱. اینجا منظور کُلاو است، وقتی منظور سَرُون باشد، کِلاو گفته می‌شود.

پوشاک سنتی زنان قوم گُرد ایلام ❖ ۱۲۱

بدون شک ساختن آن کار آسانی نیست. روی کلاه تزیینات کوچکی مانند سنجاق‌های گل و شکل کبوتر و غیره قرار می‌دهند. کلاه مزبور در پشت سر به گوشه‌ای منتهی می‌شود که پشت گردن می‌افتد. گردنبندهایی از طلا یا نقره به کلاه متصل می‌شود که از زیر گلو آویزان است و تزیینات دیگری از طلا یا نقره به صورت سینه‌بند و دستبند، لباس زن را تکمیل می‌کند» (بهنام، ۱۳۳۹: ۱۰-۹). جنس آن معمولاً از پارچه نخی سفید و گاه به رنگ‌های دیگر است که مقدار کمی از سر را می‌پوشاند و هیچ‌گاه به تنهایی به کار نمی‌رود و سایر سرپوش‌ها روی آن بسته می‌شود. هرگاه که عرقچین یا کلاو منجوق‌دوزی شده باشد، سرپوش‌هایی که بر روی آن بسته می‌شود به حداقل ممکن می‌رسد تا زیبایی منجوق‌ها دیده شود» (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۱۷۳ - ۱۷۲).



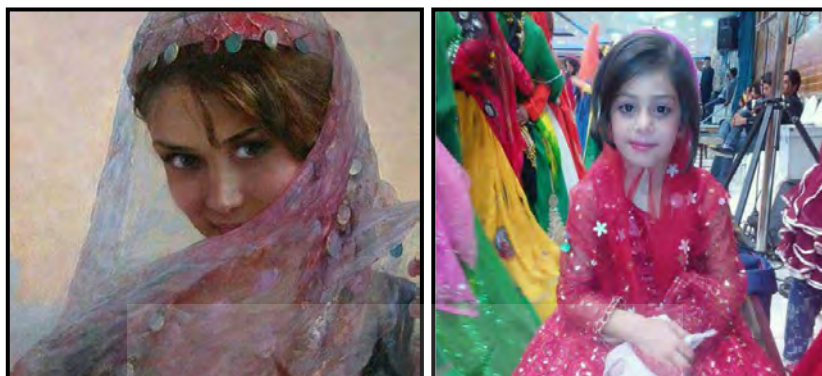
تصویر ۶: دو نمونه از سرپوش کولاو (کلاو)

۶. بان‌سری

روسری یا بان‌سری^۱ همان پارچه زنگی و گل‌دار و در رنگ‌ها و طرح‌های مختلف است که در اکثر نقاط کشور رایج بوده و امروزه تقریباً تمامی دختران و بسیاری از زنان جوان، به‌خصوص در نقاط شهری و پرجمعیت استان از آن و به‌تنهایی استفاده می‌کنند»

1. Bâsary

(ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۹۰). «دختران کم سن و سالی که هنوز به سن استفاده از سایر پوشش‌ها نرسیده‌اند از «بان‌سری» استفاده می‌کنند» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۶).



تصویر ۷: دو نمونه از بان‌سری

۷) مَقْنَا

مقنا یا مقنعه^۱، پارچه‌ای تقریباً نازک و مشکی است. که عرض آن حدود ۷۰ سانتی‌متر می‌باشد و بیش از ۱/۵ متر طول دارد و به‌صورت دو قطعه از کناره و در جهت طول به هم بافته شده‌اند» (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۱۷۳ - ۱۷۲). در واقع، «مقنا، سرپوش ویژه زنان عرب‌زبان بوده و از این مناطق، وارد دیگر نواحی کردستان جنوبی شده است و به‌علت راحتی و پوشاندن تمام سر و گردن و قسمتی از سینه و مشکی بودن رنگ، مورد پسند زنان میانسال و مسن بیشتر نقاط قرار گرفته و استفاده می‌شود. زنان یک سر مقنا را روی سر گذاشته و مابقی آن را به دور سر و گردن تا سینه می‌پیچند و درنهایت برای آنکه باز نشود، به آن سنجاق می‌زنند. زنان میانسال و مسن، بیشتر از رنگ مشکی استفاده می‌کنند و رنگ‌های دیگر ویژه دختران و زنان جوان است» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۹۰). مقنا معمولاً از پارچه نخی یا حریر و بعضاً

1. Maqnâ

پوشاک سنتی زنان قوم کرد ایلام ❖ ۱۲۳

از ابریشم است. در واقع، زنان میانسال و مسن ایلامی و مخصوصاً زنان نواحی مهران، دهلران و ملکشاهی بیشتر از این سرپوش استفاده می‌کنند. شکل و شمایل و کاربرد مقنا برگرفته از فرهنگ عربی و ویژه زنان عرب است، ولی به علت همگرایی جغرافیایی استان و تحت تأثیر تعاملات فرهنگی این سرپوش مورد اقبال مناطق مختلف قرار گرفته است.

۸. لچگ

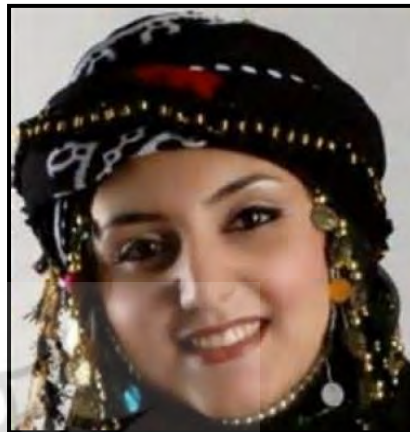
لچگ، دارای ابعاد و اندازه‌های گوناگون است. این نوع سربند، به طور مشترک هم در بین مردان و هم در بین زنان مورد استفاده قرار گرفته و بیشتر در بین ایلات و عشایر رواج دارد. معمولاً رنگ لچگ‌ها سفید، قرمز، زرد زعفرانی، و گاهی هم تیره است که بعضی از افراد طوایف و ایلات آن را استفاده می‌کنند. لچگ‌هایی از پارچه نخی و گل‌دار و گاه از جنس خود لچگ وجود دارد. «پس از اینکه یک گوشه لچگ را پشت کلاه سنجاق زدند، دو گوشه دیگر آن را از زیر گلو رد کرده، در بالای کلاه و گاهی در پشت گردن گره می‌زنند، به طوری که قسمت مهم لچگ یا چارقد روی شانه چپ می‌افتد. این لچگ، معمولاً به رنگ صورتی یا آبی یا سبز است» (بهنام، ۱۳۳۹: ۹).



تصویر ۸: دو نمونه از لچگ

۹. هبر^۱

هبر «یک نوع سرپوش مشکی و از جنس مخمل است که سه گوش بوده و دو گوشه آن بلند و مقداری باریک است، حاشیه هبر دارای منگوله سیاه‌رنگ است و هنگام بستن به دور سر، منگوله‌ها در چند ردیف، طرفین و جلوی سر را زینت می‌بخشند. پیش از بستن هبر، از گلونی استفاده می‌شود، به این صورت که گلونی را به صورت مثلثی درآورده و روی سر می‌اندازند و سپس هبر را روی آن به دور سر می‌بندند» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۹). جنس این نوع سربند از مخمل سبک یا پارچه و مخمل جیر است. معمولاً



تصویر ۹: هبر دارای منگوله‌های متعدد که بر روی گلونی بسته شده است

رنگ هبر، مشکی و شکل آن سه ضلعی متساوی‌الساقین است. استفاده از هبر در شهرستان‌های شیروان چرداول، ایوان، مهران، ایلام و برخی نقاط دیگر استان به صورت محدود مرسوم است. از هبر عمدتاً زنان میانسال استفاده می‌کنند. هبر با تمامی دیگر سرپوش‌های زنانه کاملاً متفاوت است» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

۱۰. تاکاری

نام عام تاکاری امروز بیشتر به «سرون»^۲ معروف است. تاکاری در اندازه و شیوه کارکرد با گلونی تفاوت دارد. بر این اساس، تاکاری بزرگ‌تر از گلونی است و تقریباً چهار برابر آن است با همان قالب مربعی (همان: ۱۶۶). «زمینه تاکاری سیاه و دارای

1. Habar
2. Sarvan

پوشاک سنتی زنان قوم گُرد ایلام ❖ ۱۲۵

خطوط باریک و به صورت رگه‌های نازک قرمز تیره یا سبز است و دارای ریشه در



تصویر ۱۰: نمونه‌ای از تاکاری

حاشیه بوده و وقتی به دور سر بسته می‌شود، حجم بزرگی را دایره‌وار، حول سر ایجاد می‌کند و مقداری از اضافه هر دو سر آن به پشت سر آویزان می‌شود و معمولاً زیر آن و برای پوشاندن طرفین صورت و موی سر از گلونی که زیر آن قرار دارد استفاده می‌شود» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۹). این نوع سرپوش بیشتر در منطقه آسمان‌آباد و هلیلان در شهرستان شیروان چرداول و شهرستان ایوان استفاده می‌شود.

۱۱. سرون^۱ کلهری

سرون به معنای «سربند» به نوعی خاص از سرپوش اطلاق می‌شود که اینک نیز در میان زنان عشایر خاصه زنان میانسال کاربرد دارد. «سرپوش (سرون) در نزد زنان ایلامی نه تنها با توجه به اعتقادات مذهبی الزامی است، بلکه از نظر زیبایی و موقعیت اقتصادی حائز اهمیت است.» (ضمیر، ۱۳۷۸: ۳۶). در طوایف کلهر، در شهرستان‌های ایوان، سرون شکل بسیار زیبایی دارد. پارچه سربند کلهری از جنس کساری، گلونی و حتی جنس‌های مرغوب و گل‌دار دیگر است. پارچه مورد استفاده برای این سربند، به مراتب بیشتر از پارچه‌های سربند در مناطق دیگر است، به طوری که وقتی سربند بسته می‌شود، فضای زیادی در بالای سرو پشت گردن تا ناحیه کمر را دربرمی‌گیرد. در داخل سربند، از طبقی حصیری از جنس شاخه درخت بادام کوهی که به طریق دایره‌ای بافته شده برای بزرگ‌نمایی سربند استفاده می‌کنند. «در گذشته، زنان بیشتر نقاط استان ایلام

1. Sarvan

مقداری از موی اطراف سر خویش را پس از بافتن در دو طرف صورت آویزان می‌کردند و به آن «چتر»^۱ می‌گفتند و این عمل صرفاً برای زیبایی بود و بقیه موی سر کاملاً پوشانیده می‌ماند» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۸).



تصویر ۱۱: دو نمونه از سرورن کلپری

تن پوش زنان کرد ایلام، تن پوش زنان ایلامی

در بین کردها، «تن پوش» یا جامه‌های تن، چندتکه بوده‌اند. انواع زیرپوش‌ها و روپوش‌ها، پیراهن‌ها و نیم‌تنه‌هایی کوتاه (جلیقه) یا بلند (قبا) و کمرپیچ‌ها در ترکیب‌های گوناگون در کنار هم و البته با رعایت تناسب میان آنها به‌طور منظم استفاده می‌شود» (یاسینی، ۱۳۹۵: ۷۴). در اینجا به توصیف انواع تن پوش‌های زنان کرد ایلام پرداخته می‌شود.

۱. سُخْمَه^۱

سُخْمَه یا سوخمه، نیم‌تنه‌ای بدون آستین است که بر روی پیراهن پوشیده می‌شود. «این بالاپوش، از مخمل و گاهی از پارچه‌های رنگ دیگر و در رنگ‌های شاد و روشن مانند قرمز، جگری، سبز و مانند اینها دوخته می‌شود. فاقد آستین بوده و کاملاً شبیه جلیقه است. در سُخْمَه، حداکثر تزئینات به کار رفته؛ تزئیناتی که شامل انواع آویزهای نقره‌ای و سکه هستند و جلو و حتی پشت لباس را فرامی‌گیرد و از این لحاظ در گذشته، توسط دختران و زنان جوان پوشیده می‌شد. سُخْمَه بیشتر جنبه تزئینی برای مراسم داشته و زنان مسن و کهنسال هرگز از آن و خصوصاً با تزئینات استفاده نمی‌کردند» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۹۲). «شکل ظاهری سوخمه شبیه جلیقه می‌باشد و گاهی به جای تک دکمه یا دکمه فشاری از نیم‌سکه یا ربع سکه‌های طلا یک وسیله زینتی که در طلافروشی‌ها ساخته می‌شود می‌آویزند که آن را «دوگمه و دولاخ» می‌گویند. نوع و تعداد سکه‌های به کار برده شده نشانگر وضعیت اقتصادی صاحبان آن است» (خیریه، ۱۳۸۹: ۸۱).

۱-۱. سُخْمَه بالدار

سُخْمَه بالدار با نام «فقیانه» یا «فقیهانه» مخصوص منطقه آبدانان است. جنس این نوع سُخْمَه، موب و بریده با نوک بلند بال‌ها به طوری است که تا روی میچ ادامه دارد و از قسمت زیرین آن تا ناحیه آرنج کوتاه است. سُخْمَه بال‌دار یا فقیانه دارای دو جیب در طرفین است و در کلیه لبه‌های آن از زری‌ها و نوارهای گوناگون استفاده می‌شود. در بعضی از مواقع، روی این لباس را با منگوله‌های نقره‌ای یا «گُل کیف» می‌آرایند و بعضی مواقع هم سادگی و زربفت آن کفایت می‌کند. همچنین «جلیقه بانوان کرد از مخمل‌های الوان دوخته می‌شود و دارای یراق‌های پهن و نوارها و پولک‌های فراوان زیوری است و معمولاً دو حاشیه جلوی جلیقه از سرشانه تا به پایین و پهلوهای آن پر از سکه‌ها و زیورهای طلا و نقره می‌باشد» (صفی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۸۳).

1. Soxma

۱-۲. سخمه بی بال

«نوعی از پوشش زنان و دختران ایلامی است که تا به حال جایگاه خود را حفظ نموده است. این نوع سخمه که دارای دو شکل مجزا است، از جنس مخمل و «ساتان» و انواع دیگری از پارچه است. قسمت پشت این نوع سخمه معمولاً از جنس مشکی یا قهوه‌ای تیره و بخش‌های دو طرف جلو آن، به پشت طبقه‌ای به فاصله هر ۱۰ یا ۱۵ سانتی‌متر یک نوار از زربفت به نام‌های ترتیف دارند که زربفتی فتیله‌مانند است و نیز زری‌های دیگر شامل اقراچ و مليله‌های ظریف آذین می‌شود» (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۹۶).

روی این نوع از نوارهای دوخته‌شده، رشته‌های گوشه‌دار یا سوراخ‌دار، سکه یا گوی‌های نقره‌ای نصب می‌شود و لبه‌های هفتی شکل یقه و پشت گردن و لبه ناحیه بال‌ها و اطراف جیب‌ها و پایین سخمه را با پارچه نرم و لطیف در رنگ‌ها و جنس‌های دیگر می‌دوزند. بر دیواره سینه و روی بعضی از سخمه‌ها و طرفین آن، لوازمی زینتی به نام «بان گیرفانی» نصب می‌کنند و در سینه‌ها هم علاوه بر گوی و سکه نقره از گل‌بوته‌های بافته‌شده از پارچه که درون آنها مقداری میخک است، استفاده می‌شود.

۲. یل^۱

«یل، نوعی کت زنانه از جنس مخمل، با رنگ‌های سرمه‌ای، مشکی، قرمز روشن، جگری و... است. شکل آن آستین‌دار، جلو باز و دکمه‌دار است و جیب‌های متناسب با اندازه کلی آن در دو طرف تعبیه شده است» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۷). در واقع، یل نوعی کلنجه از جنس مخمل با زربفت متنوع و کامل مخصوصاً در ناحیه سینه، کمر و آستین‌ها است. این تن‌پوش زنانه سبک‌تر از کمرچین و کلنجه است. یل تزئینات اندکی مثل کمرچین دارد و موارد استفاده از آن نیز به مانند کمرچین نزد زنان ایلامی است.

۳. خفتان

«خفتان، لباس محلی زنانه‌ای است که دوخت و شکل ظاهری آن مانند سخمه محلی است. این لباس، بال‌های کوتاهی دارد. جنس آن از مخمل یا «شال رضا ترکی»^۲

1. Yal

۲. نام نوعی پارچه است.

پوشاک سنتی زنان قوم کُرد ایلام ❖ ۱۲۹

است. در دوخت این نوع لباس که دارای زیکزال‌های فراوان روی مخمل و رویه آن است، نهایت دقت و توجه می‌شود. همچنین در دوخت این لباس از نوارهای مختلف زری به نام «تَرْتیف و اَقْرَاج / اَقْرَاج^۱» و سیم و زر پارچه در کلیه لب‌های لباس، از یقه گرفته تا دو طرف راسته جلو و زیر لب قسمت پایین لباس استفاده می‌شود» (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۹۴). این لباس، دو جیب در طرفین دارد. در تزیین این نوع لباس علاوه بر زربفت‌های گوناگون از سکه‌های نقره‌ای قدیمی در همه جای آن غیر از ناحیه پشت استفاده می‌شود، به طوری که تلفیقی از رنگ‌ها در جلو چشم بیننده تجسم می‌یابد. همچنین بال‌های لباس هم مزین به زربفت‌های گوناگون از ناحیه بال‌هاست و زیر بغل هر کدام از بال‌ها محفظه‌ای بزرگ دارد که هنگام استفاده از لباس در زیر هر دو بال، تلطیف هوا ایجاد می‌شود و زیر بغل عرق نمی‌کند. این لباس در جشن‌های رسمی و محلی بیشتر استفاده می‌شود. در بعضی از خیاطی‌های محلی برای دوخت این نوع لباس سنتی سفارش گرفته می‌شود.

۴. کِرَواس

کِرَواس یا شوو^۲ یا کِرَاس «نوعی تن‌پوش و همان پیراهن است که در جنس‌های مختلف و طرح و رنگ و نقش‌های متنوع تهیه می‌شود. کِرَواس زنان سر تا پا و بلند و آستین‌دار است» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). پیراهن بانوان کُرد تمام‌قد و بلند است و از زیربغل مخروطی‌شکل به سوی پایین پهن می‌شود. قسمت جلوی آن از حدود زیر سینه به پایین تا به انتهای دامن به پهنای سینه، مزین به پولک‌های آرایشی گرد فلزی است و جلو و پایین دامن آن از پهلویی تا پهلوی دیگر دارای پولک آرایشی بوده، ولی با این اوصاف دارای دوختی ساده با بدنی بلند و دامنی گشاد و دراز است.

«امروزه، بیشتر زنان روستایی و عشایری و قسمتی از زنان شهری نیز به عنوان تن‌پوش از کِرَاس استفاده می‌کنند، این پیراهن بلند بود و تا روی پاها می‌رسد و گاهی در ناحیه کمر مقداری تنگ می‌شود، ولی پایین آن کاملاً گشاد است و بسته به سن زن

1. Taretif & Eqraç

2. Kervâs or Kerâs, ŞaU

یا دختر، رنگ و جنس آن متفاوت خواهد بود. به شکلی که تقریباً تمامی زنان کهنسال و حتی برخی از میانسالان تمایل شدیدی به پوشیدن پیراهن‌های با رنگ سنگین و خصوصاً سرمه‌ای و تیره دارند و آن را نشانه سنگینی و بزرگسالی می‌دانند. در برخی نقاط استان ایلام مانند جنوب دهلران و هلیلان روی سینه پیراهن زنان مهره‌هایی به عنوان تزئین نصب می‌کنند» (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۹۲) که جذابیت خاصی به کِرَاس می‌دهد و زیبایی پیراهن را بیشتر می‌کند. در کرواس زنان شیرده، گاهی از ناحیه سینه شکافی با لبه پوشیده ایجاد می‌شود تا در موقع لزوم، مادر برای شیر دادن بچه از آن استفاده کند. این نوع لباس اکنون در بین بعضی از اقوام استفاده می‌شود، و دوخت آن به وسیله چرخ خیاطی انجام می‌گیرد.

۵. فرنجی^۱

«این نوع لباس، که تهیه‌شده از کرک و پشم است، به صورت بلند و بالدار (بال ایستاده) و بلند و بالدار مالیده و تهیه می‌شود. لباسی است که در تابستان‌ها خنک و در زمستان‌ها بدن را گرم نگه می‌دارد از این رو چوپانان و بعضی از افراد عشایر در منطقه از آنها استفاده می‌کنند. این نوع لباس، کاملاً ساده است و هیچ گونه شیء یا نقش اضافی در روی آن وجود ندارد. نام دیگر این لباس «فرجی»^۲ است. یادآور می‌شود بال‌های فرجی به عنوان در آویز بال‌شکل در طرفین لباس قرار دارند، ولی در عین حال بال نیستند. به فرم دیگر و نام دیگر این نوع لباس «کرک»^۳ گفته می‌شود که به مراتب از فرجی زمخت‌تر است. گاهی هم بدون بال است و شاید هم تفاوت چندانی با هم ندارند» (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۹۸). هر موقع رئیس قبیله فرد عادل و توانایی بود و می‌توانست درست رهبری کند مردم فرنجی بدون گوش استفاده می‌کردند، ولی زمانی که می‌دانستند رئیس قبیله یا بزرگ شهر و دیار لیاقت رهبری جامعه را ندارد به نشانه اعتراض همگی فرنجی گوش‌دار می‌پوشیدند و بعد از سه الی هفت روز جانشینی برای

1. Feranji

2. Faraji

3. Karrak

پوشاک سنتی زنان قوم گُرد ایلام ❖ ۱۳۱

او تعیین و او را از رهبری خلع می‌کردند. از فواید دیگر فرنجی گوش‌دار سهولت در حمل است که باعث حمل بهتر و مطمئن‌تر می‌شد و در زمان حمل سلاح برای جلوگیری از افتادن اسلحه از شانه کاربرد زیادی داشت. نکته مهم اینکه فرنجی هنگامی که خیس بود خاصیت ضد گلوله پیدا می‌کرد. امروزه، فرنجی را فقط مردان بر تن می‌کنند و زنان، به‌ندرت در نقاط دور افتاده روستایی و عشایری فرنجی بر تن می‌کنند. فرنجی از گذشته، پوشاکی مشترک بین زنان و مردان گرد محسوب می‌شد.



تصویر ۱۲: دو نمونه از فرنجی

۶. کُله‌بال



تصویر ۱۳: کُله‌بال

کُله‌بال یا کوله‌بال، لباسی است از جنس نمد که مواد اولیه آن پشم یا گُرک است. این لباس مانند سخمه کوتاه است و بال‌های آن دو تا گوش ایستاده در دو طرف کوله‌بال به نظر می‌رسد. یقه کله‌بال گرد است. در بعضی از این نوع لباس‌ها نواری پارچه‌ای در اطراف یقه و لبه سینه و حاشیه کله‌بال دوخته می‌شود. این لباس هم در محیط‌های عشایری استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که

کوله‌بال، بال‌های بزرگ‌تری نسبت به فرنجی دارد و کاملاً با فرنجی متفاوت است. کوله‌بال و فرنجی، هر دو پوشاک مشترک بین زنان و مردان هستند، با این تفاوت که فرنجی و کوله‌بال زنان کمی در حاشیه تزیین شده و رنگ بازتری دارد. اما فرنجی و کوله‌بال مخصوص مردان، تیره‌تر و بیشتر به رنگ مشکی و قهوه‌ای سوخته می‌باشد.

۷. جلیقه

«جلیقه که رویه آن از مخمل و آسترش از پارچه است و در حاشیه‌اش ردیفی از نوار طلایی به صورت هفت و هشت دوخته شده و بیشتر به رنگ آلبالویی است، در زمستان روی جو ما می‌پوشند» (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۴۵۰)

۸. کمرچین^۱

تا چند دهه پیش بالاپوش عمده بیشتر زنان ایلامی خصوصاً در نواحی شمالی و مرکزی نوعی پالتو زنانه به اسم «کمرچین» بود که به علت استفاده فراوان از نوارهای زربافت در



تصویر ۱۴: نمونه‌ای از جلیقه

تزیین آن از زیبایی خاص برخوردار بوده است. این پوشش تعداد زیادی چین در ناحیه کمر دارد، به طوری که مقدار زیادی پارچه در این مدل مصرف می‌شود. در این مدل، یک یا دو عدد دکمه نصب می‌کنند که از سوی دیگر به نخ‌ی در جلو سینه مهار می‌شود. امروزه جز در مواردی محدود، کمتر از این مدل‌ها استفاده می‌شود و مدل‌های محلی دیگری نیز در فرهنگ پوشش لباس در ایلام بعضاً جایگزین آنها شده‌اند. احتمالاً نام آن نیز به همین خاطر باشد. جنس کمرچین از مخمل در رنگ‌های قرمز، جگری، سبز، سرمه‌ای و مشکی بوده و دارای آستین بلند، جلو باز، (عیناً شبیه پالتو مردانه) و جیبی با دهانه کج در طرفین و کمربندی از جنس خود است. تزیینات آن بسته به سن و

1. Kamarčin

پوشاک سنتی زنان قوم گُرد ایلام ❖ ۱۳۳

موقعیت مالی زن می‌تواند کم و زیاد شود. برای خانم‌هایی که در سنین میانسالی یا کهنسالی هستند از رنگ‌های سنگین (مشکی، سرمه‌ای) استفاده می‌شود.

۹. کلنجه^۱

زنان کرد نیم‌تنه‌ای روی پیراهن خود به نام «کلنجه» استفاده می‌کنند. کلنجه نوعی دیگر از بلاپوش‌های زنان است که از نظر رنگ، جنس، دوخت، تزئینات و کاربرد، عیناً مانند کمرچین است. با این تفاوت که فقط اندازه آن کمتر، و تا نزدیک زانو می‌رسد. جنس پارچه آن مخمل و بیشتر در فصل زمستان استفاده می‌شود. دارای بال‌هایی با آستین بسیار کوتاه است و در بافت آن از تورهای زربفت، سیم و اقراج و ملبله‌دوزی مناسب در کلیه لبه‌های لباس استفاده می‌شود. این لباس، دارای دو جیب مورب در طرفین است. یک نوع کلنجه با دوخت کلوش و نوعی هم مانند پالتو دوخته می‌شود. زنان جوان و تازه‌عروس از مدل‌های بلند این لباس بیشتر استفاده می‌کنند و زنان میانسال از لباس‌های کوتاه‌تر بهره می‌برند» (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۹۴). یقه کلنجه معمولاً به شکل یقه‌هفت و لبه آن نیز کاملاً با حفظ فرم اصلی روی لباس دوخته می‌شوند. هنگام پوشیدن این لباس که فاقد دکمه است از شال کمر استفاده می‌شود. کلنجه‌هایی که دارای آستین بلند هستند، گاه بدون شال نیز به کاربرد می‌روند.

۱۰. تون‌بون

زنان دامنی به پا دارند به اسم «تون‌بون» که گشاد است و با نوارهای سیاه و سفید، حاشیه‌دوزی می‌شود. بلندی تون‌بون، از قوزک پا تجاوز می‌کند و حدود ۱۵ متر پارچه برای دوختن آن لازم است. در تهیه تون‌بون بیشتر از پارچه‌هایی با رنگ‌های شاد و طرح‌های شلوغ استفاده می‌کنند. روی تون‌بون پیراهن بلندی به اسم جوما می‌پوشند که چندان گشاد نیست، اما از دو طرف پهلو چاک دارد و حدود چهار متر پارچه می‌برد. (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۴۵۰-۴۴۸)

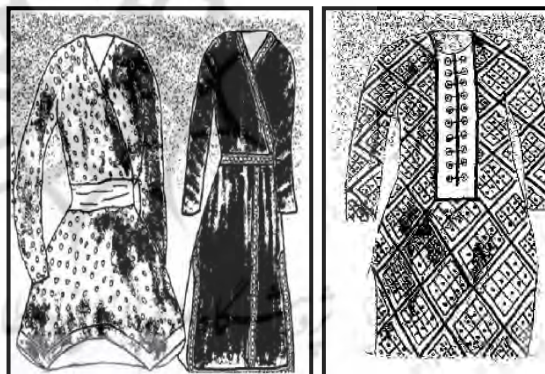
1. Kwelanja

۱۱. چوخاپیسه

چوخاپیسه «لباسی بافته از نخ که به مراتب کوتاه‌تر از قتره خط‌دار یا «میل‌میل» مردانه است. این لباس شباهت‌هایی به خرقة درویشان دارد. معمولاً قسمت پایین چوخاپیسه را نمی‌دوزند تا حالتی کهنه و مندرس به خود بگیرد. تا دوران قاجار به نقل از اجداد و نیاکانمان، بعضی افراد که زندگی کاملاً ساده‌ای داشته‌اند، از این لباس استفاده کرده‌اند» (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

۱۲. دشداشه^۱

دشداشه نوعی پیراهن بسیار بلند و آستین‌دار است که معمولاً در قسمت گردن چند دکمه دارد و گشاد و تا روی پاها می‌رسد. دشداشه از جنس‌های مختلف، ولی عموماً تک‌رنگ و نازک است. این لباس را بیشتر عرب‌زبانان جنوب استان ایلام یا مهاجرانی می‌پوشند که از عراق می‌آیند. این پوشش نیز بین زنان و مردان مشترک است به نوعی می‌توان گفت تلفیقی از لباس کردهای عراق و کردهای ایران است و مورد استفاده هر دو قرار می‌گیرد (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۱۸۰).



دشداشه‌هایی که زنان بر تن می‌کردند همچون دشداشه‌های مردان، ساده و بدون طرح نبود، بلکه بسیار زیبا و پر از نقش و نگار بود. البته هنوز هم زنان

تصویر ۱۵: دشداشه‌های متعلق به دهه ۶۰ و ۷۰

روستایی کرد ایلام در برخی مناطق شیروان و دهلران، به تبعیت زنان عرب ایلام، هنگام کار در خانه و هم‌چنین در روستا و مزرعه، دشداشه بر تن می‌کنند.

۱۳. شه‌مله^۱

شه‌مله یا قی‌ون^۲ «نوعی کمر بند سنتی است. طول این کمر بند دو متر و عرض آن ۲۰ سانتی‌متر است که در هنگام استفاده بر بالای «کرواس» چند دور به اطراف کمر پیچیده می‌شود. (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). امروزه در نقاط عشایری و روستایی برخی نقاط استان به صورت محدود خصوصاً در فصل کار کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۴. شوال^۳

شوال شلواری همانند شلوار مردان است. در واقع، «پای‌جامه را در کردی شووال می‌گویند. شلوار بانوان کرد، گشاد و از جنس حریر است. در برخی مناطق، شلوار زنان کرد، از جنس نخ بوده و گشاد و در میچ آن به وسیله کش یا با بستن دکمه جمع می‌شود. لازم به ذکر است که زنان در هنگام کار کردن گاهی شلوار گشادی می‌پوشند و پیراهن خود را داخل آن می‌اندازند تا راحت بتوانند حرکت کنند» (رهو، ۱۳۸۱: ۷۵). شلوار دیگری به نام «شوال دَرپارخته زنان ایلامی» وجود دارد که این نوع شووال (شلوار محلی) از اجناس نرم با رنگ‌های قرمز، آبی و رنگ‌های متنوع تهیه می‌شود. در دوخت این نوع شلوار، سعی می‌شود، شلوار از ناحیه میچ پا به بالا فراخ باشد و از ناحیه میچ پا حداقل بین ۵ و حداکثر ۱۰ سانتی‌متر آن تنگ و باریک بوده و ترک یا شکافی به بلندی ۵ تا ۱۰ سانتی‌متر در کنار هر کدام از میچ‌های آن تعبیه شود. به طوری که لبه شکاف‌ها به اندازه یک یا دو سانتی‌متر روی هم قرار می‌گیرد و در انتهای آن شکاف، یک دکمه از سکه کوچک نقره، یا دکمه با پوشش پارچه‌ای نصب می‌شود. بر روی قسمت باریکه شلوار از ناحیه میچ پا چند ردیف نوار «ترتیب» یا نوارهای رشته‌ای زربفت دیگر و مقداری توری زری اقراج و منجق نصب می‌کنند. این نوع شلوار را در محیط‌های عشایری زنان مسن هنوز هم استفاده می‌کنند.

1. Šamla
2. Qayvan
3. Ševâl

۱۵. مآشته^۱

پارچه سیاه ابریشمی یک تکه‌ای است که حدود ۲ متر طول و یک و نیم متر عرض دارد و هنگام بیرون رفتن از خانه زنان به دوش می‌اندازند.

۱۶. قتره^۲

قتره نوعی سیاه‌چادر عربی است که معمولاً زنان بزرگسال، در محیط‌های شهری و عشایری به سر می‌کنند. جنس «قتره» از پارچه‌های حریر و ابریشم و جنس‌های سیلک است. بلندی این پوشش تا کف پا است. معمولاً در حدود شش متر پارچه برای تهیه این نوع از پوشش استفاده می‌شود. «قتره سراسری و جلو باز دوخته می‌شود و معمولاً دور تا دور حاشیه آن را با نوار و منگوله‌های کوچک یا بافته پیچی شکل و گاه همراه با منجوق‌های گرد کوچک تزئین می‌کنند و آستین‌های بسیار گشاد و کوتاه خفاشی دارد» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۶۷ - ۱۶۶).

پاپوش‌های^۳ زنان کرد ایلامی

«پاپوش‌ها یا انواع جامه‌های پوشاننده پا (دامن‌های مستقل، شلوارها و کفش‌ها)، برای زنان چندان متنوع نیست». (یاسینی، ۱۳۹۵: ۷۴). در خصوص پاپوش سنتی زنان، چنین می‌توان گفت که همان پاپوش‌های مردانه است و تنها تمایزش منجوق‌های رویی است که آن را زیباتر جلوه داده و پاپوش زنان را با پاپوش مردان متفاوت می‌سازد.

۱. کلاش

امروزه همه زنان و دختران از کفش‌های چرمی یا لاستیکی موجود در بازار استفاده می‌کنند، در حالی که در گذشته از نوعی کفش به نام «کلاش» که در محل بافته می‌شد،

1. Māšta

2. Qatra

۳. واژه «پاپوش» یا «بابوج» است که از کلمه فارسی پاپوش ساخته شده و همان‌طور که در زبان فرانسه داخل شده در زبان عربی و یونانی جدید (to paputsi) نیز وارد شده است در مصر آن را بابوج تلفظ می‌کنند. Papoosh انگلیسی نیز از فرانسوی papouch و از فارسی «پاپوش» ساخته شده است.

پوشاک سنتی زنان قوم کرد ایلام ❖ ۱۳۷

استفاده می‌کردند. کفش بانوان اغلب از کفش‌های دست‌دوز محلی یا از محصولات کرمانشاه و بروجرد است، ولی به مرور زمان گالش‌های لاستیکی جای آنها را گرفته‌اند.^۱ کفش زنان کرد از نیم‌تاج الوان یا چرم خام با طرحی ساده و نوک‌پنجه‌ای و اندکی نوک برگشته است. رویه کفش را معمولاً با نخ‌های الوان ابریشمی نقش‌بندی و گل‌دوزی شده تهیه می‌کنند. «از قدیم دو نوع گیوه در کردستان باب بوده، نوعی که آن را «گیوه‌پاوه‌ای» می‌گفتند و زیر آن از یک تخت چرم سبک و راحت بود و نوع دیگر که محکم‌تر است و زیره آن از یک تخت چرم سبک و راحت بود و نوع دیگر که محکم‌تر است و زیر آن به شکل مخصوص ساخته می‌شود، بیشتر کار مردم اورامان است و آن را «کلاش» می‌گویند» (خیریه، ۱۳۸۹: ۶۸ - ۶۷).



تصویر ۲۰: چند نمونه از کلاش ایلامی

۲. گیوه

گیوه، نوعی پاپوش است که از نخ تابیده باریک و سفید و گاهی هم رنگ‌های متنوع یا از نخ‌های ابریشمی تهیه می‌شود. زیر و کف گیوه از پارچه‌های به هم فشرده ساخته شده که با روده دباغی شده گاو و گوسفند به هم متصل می‌شوند. در گذشته صنعت ساخت گیوه به گستردگی در ایلام رواج داشت، اما متأسفانه اینک به دست فراموشی سپرده شده است.

۱. در موزه مردم‌شناسی شهر ایلام (قلعه والی)، نوع پوشش و نحوه زندگی و معیشت و آداب و رسوم مردم این استان به نمایش گذاشته شده است.

جمع بندی

بررسی پوشاک می‌تواند اطلاعات مهمی درباره سیر تحول تاریخی، زیباشناسی، اعتقادات، طبقات اجتماعی و پیشرفت به‌ویژه نساجی و پارچه‌بافی یک قوم یا تمدن ارائه دهد (ایروانی و پورخسروانی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۲) سیر در انواع لباس مناطق گُرد و بررسی جلوه‌های زیبای آن در ادوار گوناگون، یکی از روش‌های دستیابی به ریشه‌های تمدن و فرهنگ این قوم است. کردها از لحاظ فرهنگ پوشش، دارای تنوعی همگون و متناسب با سکونتگاه‌های غالباً کوهستانی و معتدل خود دارند. این تنوع، از لحاظ رنگ‌های مورد استفاده در پوشاک بسیار غنی است. لباس‌های زیبا با رنگ‌های شاد و متنوع که برگرفته از طبیعت زیبای این منطقه است، یکی از جاذبه‌های فرهنگی مناطق گُردنشین است. در واقع، «لباس و پوشاک کردها از تنوع و غنای فوق‌العاده‌ای برخوردار است که در زینت‌ها و رنگ‌های لباس به چشم می‌خورد، لباس کردی هرگز یک رنگ و تیره نیست، بلکه همیشه با ترکیب رنگ‌های مختلف، چشم‌ها را به طرز مطبوعی خیره می‌کند» (خسروانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶). لباس گُردی هم در بحث ارتباطات بین قومی، حاوی پیام و دارای نقشی نمادین است و هم در مقوله ارتباطات بین فرهنگی می‌تواند در زمره مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی قرار گیرد. گشادی لباس‌های گُردی متناسب با زندگی در ارتفاعات و کوهستان‌هاست و به آنان در بالا رفتن و پیمودن مسیرهای صعب و دشوار کمک می‌کند. هر کدام از قطعات پازل رنگارنگ لباس گُردی دارای معانی و پیام‌های خاص خود است که در خور توجه بوده و شناسایی آن از جنبه‌های زیبایی‌شناختی نیز بسیار ارزشمند است.

کردها طی قرون متمادی با لباس محلی خود پیوند عاطفی، عقیدتی و سنتی شدیدی برقرار کرده‌اند و علاقه زیادی به حفظ و نگهداری لباس سنتی خود دارند که نشانگر هویت فرهنگی آنهاست. شاید اولین کارکرد لباس گُردی هم همین باشد، یعنی شناساندن فرد ملبس به دیگرانی که در معرض ارتباط با این شخص قرار دارند. شناخت خاستگاه قومی، زبانی، نژادی، مذهبی و فرهنگی یک شخص به‌واسطه نوع

پوشاک سنتی زنان قوم کرد ایلام ❖ ۱۳۹

پوشاک آن می‌تواند کمک زیادی برای برقراری ارتباطات بین فرهنگی اثربخش داشته باشد.

پایبند بودن کردها به سنت و آئین‌های به یادگار مانده از گذشتگان، راز ماندگاری پیروی از الگوهای پوششی سنتی است. در دوخت این لباس‌ها، در طول سال‌ها تغییری ایجاد نشده است. اگرچه گاهی اوقات موجی از پوشش‌های غربی، مناطق کردنشین را تحت الشعاع قرار می‌دهد، اما گذرا و کوتاه‌مدت است و بزرگان این مناطق اجازه نمی‌دهند تا بر سنت‌های قدیمی که نشانه هویت فرهنگی و ملی مردم این مرز و بوم است، گرد فراموشی بنشینند. پدران و مادران کرد، لباس‌های محلی را با افتخار بر تن می‌کنند و بویژه در مراسم و جشن‌ها با این پوشش‌ها ظاهر می‌شوند تا فرزندانشان نیز از آنها الگوبرداری کنند.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲). **ایلام و تمدن دیرینه آن**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایروانی، محمدرضا و محسن پورخسروانی (۱۳۹۱). **گردشگری عشایری**، اصفهان: آسمان‌نگار.
- بهنام، عیسی (۱۳۳۹). «لباس کردها»، **فصلنامه نقش و نگار**، سال ۳، شماره ۷، صص ۱۰ - ۵.
- خسروانی، محبوبه و فرهاد امام‌جمعه و عباس خسروانی (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی منش ملی اقوام کرد و لر در ایران معاصر»، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران**، سال ۳، شماره ۹، تابستان، صص ۸۹ - ۷۷.
- خیریه، بهروز (۱۳۸۹). **دیدنی‌های کردستان**، تهران: انتشارات لوح زرین.
- درخشنده، صید محمد (۱۳۹۰). **ایل من ایلام (بررسی جامع تاریخ، جغرافیا، تمدن و فرهنگ استان ایلام)**، ایلام: انتشارات زانا.

۱۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

رهو، روشنگ (۱۳۸۱). «پوشاک زنان کرد»، فصلنامه فرهنگ کردستان، سال ۳، شماره ۱۱، تابستان، صص ۸۱ - ۶۹.

صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۸). تاریخ کرد و کردستان، تهران: انتشارات آتیه.

ضمیر، امانگلدی (۱۳۷۸). «پوشاک سنتی استان ایلام»، اطلاع‌رسانی و کتابداری کتاب ماه هنر، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، بهمن و اسفند، صص ۳۹ - ۳۶.

کچویان، حسین و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۴). «تطور نظریه‌های هویت در غرب: از تجدد تا مابعد تجدد»، علوم سیاسی، بهار شماره ۲۹، صص ۸۴-۵۱.

محمدزاده، عباس (۱۳۸۳). قیام ایلام در عصر رضاشاه، ایلام: انتشارات گویش.

محمدی‌سیف، معصومه (۱۳۹۵). نشانه‌شناسی در پوشاک زنان ترک و کرد در ایران، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

یارشاطر، احسان (۱۳۸۲). پوشاک در ایران زمین (مصور)، (ترجمه بخشی از مقالات دانشنامه ایرانیکا)، ترجمه پیمان متین، با مقدمه علی بلوکباشی، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۳۹-۱.

یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۵). «پوشاک سنتی زنان در جغرافیای فرهنگی ایران»،

فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال ۱۷، شماره ۳۳، بهار، صص ۷۸ - ۵۳.

یوسفی علی (۱۳۸۰). «طبقه‌بندی اجتماعی اقوام در ایران (تحلیل ثانویه یک تحقیق

قومی)»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۳، شماره ۹، سال، پاییز، صص ۲۱۳ - ۲۰۱.

Bruckner, Wolfgang, (1985), "Kleidungsforchung aus der, Sicht der Vols Kunde". In mode, tracht. Regionale Identitat, cloppenburg, 13-22.

Eicher, J., Roach-Higgins, M (1992). Difinition and Classification of Dress: implications' for Analysis of Gender Roles'. In Dress and Gender.Making and Meaning. Edited by R.Barnes&J.B.Eicher.oxford: Berg publishers.

Saunders, Peter. (1990). Social Class and Stratification. Routledge.

Whiting John M & irvinlchild D. (1953) child training & personality; new haven; yele university press.